



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تفت

موضوع :

زهد اسلامی

استاد :.....

دانشجو :

.....

مقطع تحصیلی : کارشناسی

درس : اخلاق اسلامی

.....

معنای زهد

ابن اثیر، لغت شناس معروف در کتاب ارزشمندش، النهایه، می نویسد: «الزهد: قلیل الشیء شیء زهید؛ زهد؛ یعنی، چیز اندک و ناچیز». [وقتی گفته می شود:] «تزاهدوا الحد: احتفروه و أهانوه؛ نسبت به چیزی زهد ورزیدند؛ یعنی، آن را حقیر شمردند و ناچیز انگاشتند». همچنین یکی از معانی زهد، خویشتن داری از ارتکاب نارواها و خودداری از ناسپاسیهاست؛ چنانچه پیامبر (ص) فرمود: «الزهد هو أن لا یغلب الحلال شکره و لا الحرام صبره، زاهد کسی است که در هنگام دستیابی به موارد مشروع و حلال، خود را گم نکند (به افراط و تفریط نگراید) و در صورت فراهم آمدن زمینه ارتکاب حرام، صبر و خویشتن داری را از دست ندهد و دست به گناه نیازد.»

مرحوم نراقی در کتاب معروف خود، جامع السعادات، می نویسد: «ضد حب الدنیا و الرغبة الیها هو زهد؛ ضد دوستی و تمایل به دنیا را «زهد» گویند او می افزاید: «زاهد کسی است که قلب او شیفته و وابسته به دنیا نباشد و جز به قدر ضرورت زندگی به دنیا رو نیورد.»

طریحی می نویسد: «الزهد من الشیء خلاف الرغبة فیه؛ زهد نسبت به چیزی عبارت است از: عدم تمایل و گرایش قلبی نسبت بدان». وی همچنین در تبیین معنای زهد از معانی الأخبار مرحوم صدوق، حدیثی نقل می کند که: «الزهد یحب ما یحب خالقه، و یبغض ما یبغض خالقه، و یتخرج من حلال الدنیا، و لا یلنفت الی حرامها؛ زاهد کسی است که معیار حب و بغض او حب و بغض خدای متعال باشد و هرچه که در نظر خدا

محبوب است در پیش او محبوب باشد، و هر چه که در پیش خدا مبعوض است در چشم او ناپسند آید، و از حلال دنیا کناره گیرد و به حرام آن اعتنا نکند.»

وی می نویسد: زهد واقعی، حاصل نمی آید، جز با سه نوع ترک که عبارتند از:

۱- ترک دنیا؛ ۲- ترک زینت؛ ۳- ترک خواسته های نفسانی

البته در احادیث هم به این سه نوع ترک اشاره شده است:

«الزهد فی الدنيا ثلاثة أحرف زاء وهاء و دال، فأما الزاء فترك الزينة و اما الهاء فترك الهوى و اما الدال فترك الدنيا؛ و اثره زهد دارای سه حرف است: «زا» علامت ترک زینت است،

«ها» نشانه ترک هواست، و «دال» علامت ترک دنیا می باشد.»

در باب بیان فواید زیارت اهل قبور آمده است:

«فزورها فانها تزهد فی الدنيا و تذكر الآخرة؛ به زیارت اهل قبور بشتابید! زیرا این عمل

مایه زهد و ورزیدن در امور دنیوی و یادآور زندگی اخروی است.»

چنانکه قرآن کریم از حالت ویژه برادران یوسف در هنگام فروختن وی به قافله مصری

این چنین یاد می کند: آنان به قیمتی اندک و ناچیز قانع شدند و با بی اعتنایی ویژه ای از

کنار او گذاشتند: « و شروه بثمان بخرس دراهم معدوده و كانوا فیه من الزاهدين»

از دقت در اصل مفهوم لغوی و اصطلاحی و موارد کاربرد کلمه زهد به دست می آید که

«زهد» عبارت است از: عدم گرایش و رغبت قلبی نسبت به دنیا و امور دنیوی و پرهیز از

آن، زهد، ضد حرص و آز به معنای حقیر و ناچیزانگاشتن، اهانت رواداشتن و انهدان

است، و ترک کردن از پیامدهای این حالت ویژه می باشد؛ همچنین می توان زهد را به

بی اعتنایی و عدم وابستگی قلبی نسبت به دنیا تفسیر کرد. البته از تقابل زهد و حرص بهتر می توان به حقیقت مفهوم زهد، دست یافت. چنان که یکی از عرفای بزرگ در تفسیر زهد می گوید:

«الزهد فراغ القلب من الدنيا لا فراغ اليد منها و يقابله الشح و الحرص؛ زهد آن است که دل انسان، وابسته به دنیا نباشد، نه آن که دست آدمی از مال دنیوی خالی باشد، از این رو در برابر زهد، حرص و آز قرار دارد.»

اهمیت زهد

زهد، در فرهنگ و معارف الهی، دارای ارج و اهمیت ویژه ای است، تا آنجا که پروردگار متعال، اسوگان و راهبران راستین را به روی آوردن بدان فراخوانده است: «و شرط علیهم الزهد فی درجات هذه الدنيا الدنیة»؛ زهد زینتی است خدایی در زندگی خدا باوران. زهد همه گونه نیکبها و خیرها و زیباییها را به همراه خود دارد و کلید همه خوبیهاست. در سایه زهد، عبادت پروردگار متعال به بهترین وجه صورت می پذیرد. زهد یکی از مصادیق حکمت الهی در میان انسانهاست، چنان که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «مراد از حکم در آیه و آتیناه الحکم صبیاً، که درباره یحیای پیامبر (ص) نازل شده است، زهد پیشگی است.»

خداوند متعال به موسای کلیم فرمود: «یا موسی انه لن یتزین المتزینون بزینة اذین فی عینی مثل الزهد؛ ای موسی! آراسته ترین فرد در نزد من کسی است که خود را به زینت زهد بیاراید، زهد برترین زینتهاست.» چنان که در کلامی از رسول خدا (ص) می خوانیم:

«ان صلاح اول هذه الامه بالزهد و اليقين و هلاك آخرها بالشح و الأمل؛ اصلاح و سعادت امت من دستیابی به زهد و رسیدن به مرحله یقین است، ولی مایه هلاکت آنان روی آوردن به حرص و آزمندی و آرزوهای بلند پروازانه و نابجاست.»

آری، اهمیت مسأله زهد به درجه ای است که از آن به عنوان بزرگترین عامل آسودگی یاد شده است: «الزهد فی الدنيا الراحه العظمی؛ زهد ورزیدن در دنیا بزرگترین آسودگی است». چنان که رسول خدا (ص) فرمودند: «السعادة التامة بالعلم و السعادة الناقصة بالزهد و العبادة من غیر العلم و الزهادة تعب للجسد؛ سعادت کامل انسان از طریق علم و دانش و سعادت نیمه تمام از راه زهد حاصل می شود، و عبادت بدون دانش و زهد مایه خستگی بدن است» آن حضرت همچنین به ابن مسعود این چنین رهنمود داد:

«یابن مسعود! النار لمن ركب محرماً و الجنة لمن ترک الحلال، فعلیک بالزهد فان ذلک مما یباهی الله به الملائکة و به یقبل الله علیک بوجهه و یصلی علیک الجبار؛ ای ابن مسعود! جهنم برای کسی است که آلوده دامن باشد، و بهشت از آن کسی است که حلال را ترک گوید (یعنی در لذات و روزیهای حلال غوطه ور نشود) پس در پی زهد پیشگی باش، زیرا زهد از چیزهایی است که خدا بر فرشتگان خود بدان مباحثات می کند و به خاطر زهد است که آدمی مورد توجه خداوند متعال قرار می گیرد و مشمول درود او می گردد.»

همچنین افزود:

«یابن مسعود قول الله تعالی لیلوکم ایکم احسن عملا یعنی: ایکم ازهد فی الدنیا انها

دارالغرور و دارمن لادار له ولها یجمع من لا عقل له ان احمق الناس من طلب الدنیا؛

ای پسر مسعود! مراد از گفتار خدای متعال که فرمود: ولیلوکم ایکم احسن عملاً، این

است که شما را امتحان می کند تا روشن شود که کدام یک از شما نسبت به دنیا زاهدتر

و بی اعتناترید، زیرا دنیا محل غرور و فریفتگی است و از آن کسی است که در آخرت

دارای منزلی نباشد، و کسی که برای دنیا می اندوزد عاقل نیست، و احمق ترین مردم

کسی است که فقط در پی تأمین دنیا باشد.»

رهبانگیری ممنوع است!

شیفته دنیا نگشتن غیر از وانهادن آن است، که اولی زهد ورزی و دومی رهبانگیری است.

رهبانیت از ماده «رهب» به معنای ترس است، و در معنای لغوی آن نوعی خوف و

خشیت قلبی نهفته است، خوفی که گوشه گیری و ترک زندگی اجتماعی را باعث گشته

و انزوا و جامعه گریزی را در بردارد، و از مظاهر آن: ترک ازدواج، روی آوردن به عزلت

و ترک دیار است.

استاد مطهری در این باره می نویسد: حقیقت این است که زهد اسلامی غیر از رهبانیت

است، و رهبانیت بریدن از مردم و روی آوردن به عبارت است.

وی همچنین در باب زهد پیامبر اکرم (ص) یادآوری می کند که آن حضرت می فرمود:

«به اندازه طاقت عبادت کنید و بیش از ظرفیت خود بر خود تحمیل نکنید که اثر معکوس دارد. [رسول خدا (ص)] با انزوا و گوشه گیری و ترک اهل و عیال مخالف بوده.»

رهبانگیری در تاریخ زندگی بشر سابقه ای طولانی دارد. این مسأله در میان هندوها بسیار رایج بود و هم اکنون نیز مرتاضان هندی را می توان به عنوان تداوم بخش آن نام برد؛ زهدی که همراه با سایر جلوه های ریاضت، مورد توجه آنان است.

در قرن سوم میلادی بعد از غلبه امپراتور «دیسون» و قلع و قمع مسیحیان، بسیاری از آنها از انظار غایب و به بیابانها و کوهها پناهنده شدند و این موجب پیدایش عکس العمل منفی آنها نسبت به زندگی اجتماع و سبب شیوع «رهبانیت» در میان پیروان مسیح گشت، و این گرایش در میان مسیحیان ماندگار گردید.

قرآن کریم نیز از شیوع رهبانیت در میان مسیحیان، به عنوان «بدعتی» که آنان بدان پرداخته اند و ریشه در تعالیم اصیل مسیح مقدس ندارد یاد می کند: «و رهبانیة ابتدعوها؛ رهبانیتی که پیروان مسیح پس از وی از پیش خود اختراع کرده اند.»

رهبانیت گاهی سبب افسردگی روحی، یأس، بدبینی نسبت به دیگران و ضعف عقل و غلبه قوه واهمه می گردد.

با توجه به زیانهای رهبانیت، اسلام پیروان خود را از پرداختن بدان هشدار داده است، و حتی آنان که زهد را بهانه روی آوردن به نوعی رهبانیت پنداشته اند مورد انتقاد و اعتراض قرار گرفته اند.

رسول اکرم (ص) به عثمان بن مظعون که ترک کار و زندگی کرده و به مسجدنشینی و انجام عبادت روی آورده بود فرمود:

«ان الله تعالى لم يكتب علينا الرهبانية انما رهبانية امتي الجهاد في سبيل الله؛ خداوند متعال بر امت من رهبانیت را مقرر نداشته است، و رهبانیت امت من همان جهاد در راه خداست.»

مرحوم صدوق در کتاب خصال از امام صادق (ص) نقل می کند که:
«قال رسول الله (ص) ليس في امتي رهبانية ولا سياحة ولا سكوت، پیامبر (ص) فرمود: رهبانگیری و سیاحت و سفر بی هدف و سکوت (پرهیز از معاشرت با مردم) در امت من نیست.»

در تفسیر مجمع البیان در حدیثی از ابن مسعود می خوانیم: همراه پیامبر اکرم (ص) در حال حرکت بودیم که پیامبر (ص) به من فرمود: آیا از راز پیدایش رهبانیت در میان مسیحیان خبرداری؟ پاسخ دادم: خدا و رسول او آگاهترند. پیامبر (ص) فرمود: پس از عیسی مسیح، پیروان او بر اثر ارتکاب معاصی دچار جنگهای خانمان سوزی از ناحیه جباران شدند، و جمعیت آنان از آبادیها به بیابانها و کوهستانها پناهنده گشتند، و بر این اساس، روحیه رهبانگیری در میان آنان تقویت شد و سپس آیه: «و رهبانية ابتدعوها» راتلاوت کرد و افزود: آیا می دانی رهبانیت امن من در چیست؟ پاسخ دادم: خدا و رسول او داناترند. پیامبر فرمود: رهبانیت امت من عبارت است از: هجرت، جهاد، نماز، روزه، حج و عمره.

همچنین آن آگاه که از امام هفتم پرسیدند: «هل يصلح للرجل المسلم ان يسيح في الارض او يرهب في بيت لا يخرج منه، قال: لا؛ آیا شایسته است که مسلمان بدون اهداف اساسی به سیاحت بپردازد و یا در خانه ای به رهبانیت روی بیاورد؟ امام پاسخ داد: خیر.» پیامبر اکرم (ص) خاطر نشان می کرد که: «و ان سياحه امتي و رهبانيتهم الجهاد؛ سیاحت و رهبانیت امت من، شرکت در جهاد است»؛ و نیز فرمود: «عليكم بالجهاد فانه رهبانية امتي؛ پیوسته در راه خدا جهاد کنید که این همان رهبانیت امت من است.» البته رهبانیت و درویش مسلکی و ترک کار و تلاش مخالف فطرت آدمی است، زیرا به فرموده ابوذر غفاری: «ان النفس اذا احزرت قوتها اطمانت؛ نفس آدمی هنگامی که غذای خود را در اختیار داشته باشد، آرامش لازم را به دست خواهد آورد.» پس چگونه می توان کسی را به ترک و پشت پا زدن به کار و تلاش در زندگی ترغیب کرد؟ این جاست که کلام روح بخش امیرالمؤمنین (ع) همچون چراغی فروزان در اقلیم زندگی ما می درخشد که در توصیف زاهدان فرمود: «كانوا قوما من اهل الدنيا و ليسوا من أهلها؛ انسانهای زهد پیشه در همین دنیا زندگی می کردند، ولی خود را نباخته و دنیا پرست نبودند.» در واقع زهد یک مسأله قلبی است و تضادی با پرداختن به کار و تلاش و تأمین ما یحتاج زندگی ندارد، زهد ضد حرص و آز است.

ارکان زهد اسلامی

نکته قابل ذکر آن است که حقیقت زهد اسلامی را با توجه به برخی از ارکان آن بهتر می

توان بازشناخت و مهمترین ارکان زهد اسلامی عبارتند از:

۱- اعتماد به خدا و اخلاص کامل

پیامبر اکرم در تبیین حقیقت زهد فرمود:

«الزهد في الدنيا ليست بتحريم الحلال و لا اضعاء المال و لكن الزهادة في الدنيا ان لا

تكون بما (مما) في يدك أو ثق منك بما في يد الله و أن لا تكون في ثواب المصيبة اذا

أنت أصبت بها أرغب منك فيها لو انها ابقیت لك؛

زهد آن نیست که نعمتهای حلال خدا را تحریم کنی، و یا اموال و ثروت خود را ضایع

سازی، بلکه زهد آن است که مال و دارایی ات تو را از خدا غافل نسازد و در تو

احساس غرور و بی نیازی نسبت به خدا ایجاد نکند، و در برابر مصائب، صبور باشی و

به سرانجام آن و ثواب و پاداش خود در پیشگاه خدا بیندیشی.»

شخصی از امام سجاد (ع) پرسید: زهد چیست؟ امام پاسخ داد: «برترین درجه زهد، پایین

ترین مرحله «ورع» است و برترین مرحله ورع، پایین ترین درجه «رضا و تسلیم»

می باشد.

پس زهد آن است که به مرحله ورع، یقین، رضا و تسلیم رهنمون گردد و اگر از دارایی

آدمی کاسته شود، انسان به خاطر این نقصان متأسف نشود، و نیز داراییهای دنیوی، وی

را مغرور نسازد؛ چنان که قرآن می فرماید: «هرگز در مقابل آنچه از دست شما می رود، دلتنگ نشوید و نیز در مقابل آنچه به شما می رسد مغرور و دلشاد نگردید.»

همچنین در نهج البلاغه در بیان ماهیت زهد آمده است:

«الزهد كله بين كلمتين من القرآن قال الله سبحانه: لكيلا تأسوا على ما فاتكم و لا تفرحوا بما آتاكم؛ تمام زهد در میان دو آیه قرآنی نهفته است، آن جا که می فرماید: آنچه از مال و دارایی از دست شما رفت متأسف و آزرده خاطر نشوید، و برای هر آنچه که از اموال و دارایی به چنگ می آورید خود را نبازید و مغرور نگردید.»

دیدگاهها در تفسیر زهد

۱- زهد از نظر پیامبر اسلام

عده ای از یاران رسول خدا (ص) مباشرت با همسر، استراحت در شب و غذا خوردن در روز را بر خود تحریم کرده بودند. أم سلمه، همسر پیامبر (ص)، این موضوع را به پیامبر (ص) گزارش داد. پیامبر (ص) با شنیدن این خبر از منزل خود بیرون آمد و به سوی آنها رفت و فرمود: آیا از زن و همسر خود دوری می گزینید؟ در حالی که من با زنان خود مباشرت می کنم و روز غذا می خورم و شب می خوابم؛ پس هر کس که از سیره و روش من بیزاری جوید از من نیست، چنان که خداوند متعال فرمود: آنچه را برای شما حلال نموده ایم، بر خود حرام نکنید و از حدود خود تجاوز ننمایید (افراط و تفریط نکنید).

آری، آنچه که بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است، مسأله برخورداری صحیح انسانها از «طببات» و استفاده معقول از «مواهب» زندگی است. زهدپیشگی، هیچ گونه منافاتی با مسأله بهره مندی صحیح از زندگی دنیوی در حد متعارف آن ندارد، حتی در لسان وحی در برخی از موارد، دستیابی به لذات سالم بر برخی از عبادتها نیز ترجیح دارد.

مفسر معروف، امین الاسلام، طبرسی می نویسد:

روزی تنی چند از صحابه پس از رهنمودهای رسول خدا درباره قیامت در خانه عثمان بن مظعون گرد هم آمدند و تصمیم گرفتند که:

- ۱- روزها را روزه دار باشند؛ ۲- شبها در تهجد و عبادت به سر برند؛ ۳- در رخت خواب جای نگیرند؛ ۴- از غذاهای خوب، از جمله گوشت استفاده نکنند؛ ۵- با زن خود همبستر نگردند؛ ۶- از بوی خوش استفاده نکنند؛ ۷- لباس خشن و ضخیم بپوشند؛ ۸- لذات دنیوی را ترک گویند؛ ۹- به کار و زندگی پشت پا زده و به سیر و سیاحت پردازند.

تصمیمهای فوق به رسول خدا گزارش شد و پیامبر در جمع آنان حضور یافت و به آنان فرمود: من برای شما چنین دستوری صادر نکرده ام. نفس شما بر گردن شما حق دارد....؛ سپس فرمود: در دین من ترک زن و زندگی و بیزاری از خوردن گوشت و نیز ترک کار و تلاش و پرداختن به مسجد نشینی و روی آوردن به سیاحت و دوره گردی وجود ندارد، بلکه گوشه نشینی و رهبانیت امت من عبارت است از: جنگ و جهاد در راه خدا.

از بیان پیامبر (ص) چند نکته را می توان در مورد زهد اسلامی آموخت:

۱- زهد ترک دنیا نیست، بلکه دنیا را به خدمت خویش درآوردن است.

۲- زهد پشت پا زدن به کار و فعالیتهای زندگی نیست.

۳- زهد ارزش قائل نشدن برای نعمتهای الهی و عدم برخورداری از مواهب و بهره های زندگی نیست.

جبرئیل امین به رسول اکرم (ص) گفت: یا رسول الله! از سوی خداوند متعال، حامل هدایای گرانبهایی برای شما هستیم؛ سپس آنها را بر شمرد، از جمله آنها زهد بود. رسول خدا (ص) از جبرئیل تفسیر آن را جویا شد.

جبرئیل گفت: زاهد کسی است که دوستدار خالقش را دوست می دارد و دشمن خالقش را به دشمن می گیرد. زاهد کسی است که در مواردی حتی از استفاده های مشروع و حلال چشم می پوشد و هیچ گاه به حرام چشم نمی دوزد، زیرا می داند حلال خدا مورد حسابرسی و حرام او نیز مایه کیفر و عقاب است.

۲- زهد در کلام امیر مؤمنان (ع)

۳- امیرالمؤمنین در پاسخ سؤال شخصی فرمود: «ای مرد! فلاح و سعادت مردم دنیا بر سه پایه استوار است:

۱- دانشمند پاک سیرتی که دانش خویش را به کار گیرد؛ ۲- ثروتمندی که از بذل مال

در راه خدا و دین، کوتاهی نکند؛ ۳- فقیری که صابر باشد. در غیر این صورت، وای به

حال جامعه؛ سپس فرمود: ای سائل! از اجتماع ظاهری مردم در مساجد مغرور مباش، زیرا هستند جماعتی که بدنهایشان یک جا و قلوبشان متفرق است. مردم به سه دسته‌اند:

۱- زاهد؛ ۲- راغب؛ ۳- صابر

زاهد کسی است که نسبت بدانچه به دستش می آید خشنود نشود و از آنچه که از دستش می رود آزرده خاطر و ناامید نگردد، ولی راغب کسی است که مشتاق است ثروتمند شود و تنها به ثروت می اندیشد و از هر راهی در پی جستجوی مال می رود و به تکاثر می پردازد و از کسب حرام باکی ندارد.

وقتی سخن امام به اینجا رسید، سائل گفت: نشانه های مؤمن چیست؟ امام پاسخ داد: «انسان مؤمن همیشه بدانچه که خدا برای او مقرر داشته نظر می افکند و بدان عشق می ورزد و از آنچه که خدا او را بر حذر داشته بیزار است.»

همچنین علی (ع) فرموده است: «لازهد کالکف عن الحرام؛ هیچ زهدی همچون بازداشتن خود از حرام نیست». در دیوان اشعار منسوب به آن حضرت این رباعی به چشم می خورد:

لا بأکل المر لالبس الشمل

انما زهد الفتی قصر الأمل

والبس الخزوکل لحم الخمل

حذ بأمر الله و أترك مانهی

ترجمه: «زهد همان پرهیز از آرزومندی افراطی است، نه خوردن غذای سخت و پوشیدن لباس خشن، پس دز زندگی تابع دستورات خدا باش و از محرّمات و موارد نهی او

دوری گزین، گر چه لباس فاخرپوشی و غذایی از گوشت گرانها بخوری، سعدی می گوید :

زاهدی، در لباس پوشی نیست زاهد پاک باش و اطللس پوش

در سیره عملی آن امام (ع) آمده است:

«لما یفرغ من الجهاد یتفرغ لتعلیم الناس و القضاء بینهم فاذا فرغ من ذلک اشتغل فی حائط له یعمل فیه بیده و هو مع ذلک ذاکر الله تعالی؛

هنگامی که از جبهه باز می گشت، به تعلیم مردم و گسترش فرهنگ اسلامی می پرداخت، به قضاوت در میان مردم همت می گمارد و چون از این دو فراغت می یافت و

در زمین زراعتی خود به کار می پرداخت، ولی همواره به یاد خدا مشغول بود.»

علی (ع) فرمود:

«الدنیا خلقت لغیرها و لم تخلق لنفسها؛ دنیا برای غیر خود آفریده شده، نه برای خود.»

آری دنیا را باید برای آخرت جست و گزیند؛ دنیا پرستی نتیجه ای نخواهد داشت، زیرا توجه به دنیا به عنوان یک هدف و نه گذرگاه، روحیه فرار از آخرت و غفلت از آن را در

پی دارد، چنان که علی (ع) می فرماید: «فمن احب الدنیا و تولاها ابغض الاخره و عاداتها؛

کسی که دنیا پرست باشد و بدان روی آورد، از آخرت بیزار می شود و نسبت به آن

دشمنی می ورزد». راز این مسأله نیز روشن است، زیرا دنیا و آخرت نمی توانند هر دو با

هم اصالت داشته و هدف نهایی باشند؛ زیرا به فرموده آن حضرت: «ان الدنیا و الاخره

عدوان متفاوتان و سبیلان مختلفان؛ بدون تردید، دنیا و آخرت دو خصم جدای از

یکدیگر و متضادند و دو راه مختلف و خلاف همدیگرند»، و بر این اساس، هشدار می‌دهد که: «کَلِمَا قَرَبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعْدَ مِنَ الْآخِرِ؛ به هر یک از این دو نزدیک شویم به همان مقدار از دیگری فاصله می‌گیریم». همچنین آن حضرت رهنمود می‌داد که: «یا نَوْفٌ طَوْبِي لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاغِبِينَ فِي الْآخِرَةِ» ای نوف! خوشا به حال بی‌اعتنایان نسبت به دنیا و علاقمندان به آخرت» و در بیانی دیگر فرموده است: «مَرَارَةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ وَ حَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَارَةُ الْآخِرَةِ؛ مرارت و سختی دنیا در راه انجام وظایف الهی، راحتی و لذت اخروی را در پی دارد، و لذت جویی و روی آوردن به راحت طلبی در دنیا، مشقتهاى آخرت را به همراه دارد.»

هر کجا دین بود درم نخرند

دین و دنیا دو ضد یکدیگرند

کی توانی بدید عقبی را

تا چنین طالبی تو دنیا را

شیخ بهایی می‌گوید:

دنیا طلبیم و میل عقبی داریم

ما با می و مینا سر تقوی داریم

این است که ما نه دین نه دنیا داریم

کی دینی و دین به یکدیگر جمع شوند

ابونعیم در حلیله الاولیاء از عمار یاسر نقل می‌کند که: پیامبر اکرم فرمود:

«یا علی ان الله تعالی قدزینک بزینة لم تزیّن العباد أحب الی الله تعالی منها هی زینة الأبرار

عند الله عز و جل الزهد فی الدنيا؛

ای علی! خدای متعال تو را به زیتنی آراسته که در پیشگاه خداوند، بندگان به زیتنی محبوبتر از آن آراسته نشده اند و آن زهد ورزیدن در دنیا است که زینت در درگاه خداوندی است.

همچنین در کنزالعمال آمده است:

أكل علي (ع) من تمر دقل ثم شرب عليه الماء ثم ضرب بطنه و قال: من دخله بطنه في النار فأبعده الله؛

امیرالمؤمنین (ع) از خرمای کم ارزش خورد و سپس آبی نوشید و دستی به شکم خود زد و فرمود: دور باد از رحمت خدا کسی که شکم خود را از آتش (لقمه حرام) پر کند!